

دستگیری متهم بدون دستور قضائی: مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس

آیت اله پرویزی فرد*

دانش آموخته دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۰/۲۷ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۱/۱۵)

چکیده:

پلیس در جرائم مشهود یا مهم رأساً مجاز به دستگیری، نگهداری و تحقیق از شهروندان است. قوانین و مقررات جاری کشور در خصوص رعایت احترام به بخش اعظم بایدها و نبایدهای رفتار کرامت مدار و قانون محور با دستگیرشدگان در این مرحله ساکت است. تعهد و تضمین به نگهداری صحیح از افراد، حق مشاوره در خصوص قانون و اعلام این حقوق به افراد، ضبط بازجوئی ها، حق اعلام دستگیری به وکیل یا آشنایان، حق تماس و مشاوره خصوصی با وکیل، حضور و نظارت مقامات بی طرف در تحقیق، بازبینی دوره‌ای در جهت احراز توجیه دستگیری و نگهداری افراد، حضور وکلای موظف و دائم در اداره پلیس، ضمانت اجرای ابطال تحقیقات و..... در این مرحله از دادرسی از بایسته های نظام حقوقی انگلستان است. نظام قانونی ایران جز در مورد ابلاغ کتبی دلایل اتهام نسبت به غالب موارد فوق سکوت اختیار کرده است.

واژگان کلیدی:

دلیل متعارف، دستگیری، بازداشت، جلب، جرائم مشهود، دستور قضائی، پلیس.

مقدمه

دستگیری و سلب آزادی از افراد، مغایر با حق آزادی و امنیت شخصی شهروندان است. در واقع، سنگ نخستین بنای دادرسی کیفری که انسجام و استحکام آن در گرو رعایت قواعد و اصول مهندسی قضائی است، در این مرحله نهاده می‌شود. قسمت اعظم این اصول و قواعد طبیعتاً باید ناظر به رعایت حقوق دفاعی افراد و تضمین برخورد صحیح با دستگیر شدگان باشد. در بند بودن، مصیبتی بزرگ به شمار می‌رود که هر چه درباره آن گفته شود؛ باز هم جای سخن دارد (آخوندی، ۱۳۸۷: ۱۴۴). نظر به اهمیت و جایگاه پلیس در نظام دادرسی کیفری و تأثیر انکارناپذیر اقدامات معموله در سرنوشت دعوی، بررسی مفهوم و ضوابط دستگیری‌های پلیسی در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان^۱ ضروری است. بدیهی است حرکت پلیس به سمت و سوی اتخاذ سیاست‌های قهرآمیز که پیامد گسترش سیاست جنائی امنیت‌گرا در دهه اخیر است (سید اصفهانی، ۱۳۸۸: ۴۲۳) از یک سو و اجمال و فقد قانون مبسوط و مفصل در این خصوص به ویژه در کشور ما از سوی دیگر، موجد نیازی اجتناب‌ناپذیر به کنکاش و تمرکز و اتخاذ رویکردی تطبیقی به حوزه فعالیت پلیس در نظام عدالت جنائی است. همسوئی جامعه جهانی در گرایش به اتهامی کردن نظام دادرسی (آشوری، ۱۳۷۵: ۴۹) که انگلستان همواره نماد آن قلمداد شده، موجب شد تا مقررات و ضوابط حاکم بر دستگیری‌های پلیس در این کشور موضوع مقایسه با مقررات داخلی قرار گیرد. مضاف بر اینکه نظام دادرسی اسلامی نیز اساساً یک نظام اتهامی است (همان: ۳۴). پرسش اصلی نوشتار حاضر این است که اولاً، مفهوم و مصادیق دستگیری پلیسی چیست؟ ثانیاً، ضوابط و مقررات حاکم بر آن در دو نظام حقوقی چیست؟

این پژوهش مبتنی بر فرضیات زیر است:

- ۱- دستگیری پلیسی به مفهوم سلب آزادی از متهم بودن دستور قضائی است.
- ۲- عدم توسل اصولی به زور، ابلاغ کتبی دلایل اتهام و محدودیت زمانی توقیف پلیس در مقایسه با توقیف قضائی از مشترکات دو نظام حقوقی در این قلمرو است.

۱. انگلیس و ولز یک حوزه محسوب می‌شوند. این دو به همراه اسکاتلند بریتانیای کبیر/ Great Britain را تشکیل می‌دهند. اگر حوزه دیگری را اضافه کنیم یعنی ایرلند شمالی، نتیجه پادشاهی متحد بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی / united kingdom of Great Britain and northern ireland خواهد بود.

۱- تبیین و توضیح مفاهیم کلیدی

۱-۱. آزادی و اقسام آن

پیامد اصلی و اساسی حق آزادی، حمایت در برابر دستگیری غیر قانونی است. در ترمینولوژی حقوق، آزادی بدین معناست: رهایی از بردگی، در ارتباط با قدرت عمومی وضعی را گویند که آدمی بتواند قدرت خلاقه خود را به عمل درآورد چنانکه خواهد اندیشید، اندیشه‌ای را که درست می‌داند صورت عمل بخشد.... اقسام آزادی عبارت است: از نخست، آزادی های سیاسی؛ دوم، آزادیهای عمومی سوم؛ و آزادیهای فردی (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، جلد اول:

(۷۸)

۱-۲. آزادی رفت و آمد

یکی از انواع آزادی های فردی، آزادی ایاب و ذهاب/ رفت و آمد است که به موجب آن انسان حق دارد به هر جا که بخواهد نقل مکان کند و در این رفت و آمد کسی مانع از او نشود. تازیان معاصر آن را حرّیه النقل خوانده‌اند و به موجب آن، هر کس می‌تواند در داخل کشور به هر جا که بخواهد برود و بماند و به خارج از کشور رفت و آمد کند(همان: ۸۸). آزادی رفت و آمد از حقوق طبیعی و بنیادین هر انسان است که به موجب آن شخص باید در رفت و آمد، اقامت و ترک هر نقطه چه در کشور و چه در خارج از کشور آزاد باشد و از توقیف بدون دلیل مصون و محفوظ بماند. این نوع آزادی نیز خود واجد اقسامی است که آزادی تن مصداقی از آن است(آقایی نیا، ۱۳۸۶: ۱۳۷).

۱-۳. آزادی تن

آزادی تن به طرق مختلف محدودیت پذیراست. گاهی سلب کامل آن به اشکالی چون دستگیری، جلب، توقیف و بازداشت اعم از قانونی یا غیرقانونی، حبس، اختفاء و آدم ربائی خودنمایی می‌کند و گاه تحدید آزادی تن بدون سلب کامل آن در پوشش تبعید، اقامت اجباری یا منع اقامت در محل معین ظاهر می‌شود. در پژوهش حاضر صرفاً دستگیری که یکی از اقسام سلب آزادی تن است، موضوع کنکاش قرار می‌گیرد.

۱-۴. دستگیری و تمایز آن از جلب و بازداشت

دستگیری یعنی گرفتن متهم یا مجرم به سلب آزادی حرکت (جعفری لنگرودی، همان: ۱۹۰۶). در معنای مشابه، دستگیری به معنای: ۱- گرفتن یا جلوگیری کردن اجباری؛ ۲- گرفتن یا نگهداری فرد تحت تسلط خویش به واسطه اختیار قانونی در واکنش به اتهامی جزائی

(garner,2004:115).

از نظر اصطلاحی در نگاه غالب حقوقدانان دستگیری واجد تعریفی مستقل از جلب نبوده و اغلب این دو اصطلاح را مترادف قلمداد کرده‌اند^۱. لیکن به جهت تخصصی بودن بحث حاضر و عدم امکان یکسان انگاری دو مفهوم پیشین، می‌توان دستگیری را اقدامی آنی که به موجب آن تن مظنون یا متهم به جرمی به طور موقت و به عنف به شیوه‌ای فیزیکی (مثلاً استفاده از دست بند) یا با اختطاری قانونی / اختطار ایست سلب می‌شود، انگاشت. در حالی که جلب اصولاً باید به دستور مقام قضائی، بوسیله ضابطین دادگستری و مسبوق به احضار متهم و عدم حضور غیر موجه وی در وقت مقرر و مقرون به ادله و قرائن و امارات کافی صورت گیرد و در موارد استثنایی که بزه انتسابی از درجه اهمیت والا برخوردار بوده و یا محل اقامت یا شغل و کسب متهم معلوم و معین نیست؛ بدو جلب او بلامانع است. به عبارتی می‌توان گفت جلب نوعی دستگیری به دستور مقام قضائی است که از طریق مأمور ضابط اجرا می‌شود (گلدوست، ۱۳۸۸: ۷۳). البته برغم وجود تفاوت در مفهوم از لحاظ آثار عملی تفاوت زیادی بین جلب و دستگیری دیده نمی‌شود (صلاحی، ۱۳۸۶: ۴۶).

صرف نظر از تفاوت مفهوم دستگیری با جلب به شرح پیشین، تذکر این نکته ضروری است که مفهوم دستگیری در بحث حاضر معادل توقیف و بازداشت نبوده و این دو نیز قلمرو مستقل از یکدیگر دارند. فی الواقع توقیف - که گاهی به آن توقیف احتیاطی نیز گفته می‌شود - و بازداشت - که بازداشت موقت نیز نامیده می‌شود - مستلزم سلب آزادی رفت و آمد متهم از طریق نگهداری در محل معین است (خالقی، ۱۳۸۷: ۱۶۵ و ۱۶۴). مضاف به اینکه توقیف بر خلاف دستگیری برای مدتی طولانی به عمل می‌آید که گاهی تا ختم رسیدگی و صدور حکم نیز ادامه می‌یابد (آشوری، ۱۳۷۵: ۱۵۵). به عبارتی نقطه شروع سلب آزادی، دستگیری و استمرار آن توقیف تلقی می‌شود.

۲- تحقق دستگیری: مسئله ای موضوعی یا حکم قانونی

در نظام انگلستان به درستی تصریح شده است که دستگیری مسئله ای موضوعی است نه مفهومی قانونی دستگیری، موقعیت است. اینکه آیا فرد دستگیر شده یا نه به مشروعیت دستگیری مربوط نیست؛ بلکه با این موضوع مرتبط است که آیا او از آزادی تن رفتن به جایی که مطلوبش است محروم شده یا نه (پرونده Lewis علیه افسران پلیس southwales)؟ این تعریف در پرونده Daws v. ppp تقویت شد. در این پرونده، مجرم که به زور وارد ماشین شده بود، زمانی به دام افتاد که در ماشین به صورت خودکار به واسطه قفل بسته شد که بوسیله پلیس تنظیم

۱. برای نمونه بنگرید به آشوری، محمد. ۱۳۷۵، آئین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران: انتشارات سمت: ۱۱۷ و خالقی، علی، آئین دادرسی کیفری، تهران: شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۷: ۱۶۴.

شده بود. اعلام صریح دستگیری لازم نیست. دستگیری زمانی اتفاق می افتد که مشخص شود، فرد دستگیر شده از رفتن ممنوع بوده است. هر دستگیری مشتمل بر محرومیت از آزادی رفتن به محل مطلوب شخص است؛ اما هر محرومیتی منتهی به دستگیری نمی شود. پلیس می تواند در آزادی رفت و آمد مردم به شیوه های متفاوت مداخله کند که منتهی به دستگیری نمی شود. یک نمونه این است که دادگاه ها پذیرفته اند پلیس می تواند (موقتاً) به منظور جلوگیری از نقص صلح (breach of peace) فرد یا افرادی را یکجا نگه دارد (detain) بدون اینکه منتهی به دستگیری شود. نمونه دیگر، بازرسی های قانونی از شخص است (که در خلال آن ممکن است پلیس نیرویی را بکار برد که برای انجام بازرسی های منطقی ضروری است. مثلاً بواسطه توقیف اجباری او) این بازرسی ها از نظر دادگاه ها چیزی کمتر از دستگیری تلقی شود. در حالیکه مرز بین دستگیری ها و دیگر اشکال توقیف قابلیت تبیین دقیق را دارا نیست. می توان گفت ساختار اصلی و کارکرد رسمی دستگیری، سلب آزادی فیزیکی شخص به منظور نگهداری او در اداره پلیس با هدف کمک به تحقیق از جرم و یا تأمین حضور آنها در دادگاه است. البته دستگیری می تواند حمایتی (protective) باشد (مثل جائیکه اشخاص مست، اطفال یا افراد مختل المشاعر به خاطر سلامتی خودشان توقیف می شوند) و نیز می تواند پیشگیرانه preventive باشد مثل جائیکه شخص به شکل صوری به منظور جلوگیری از نقص صلح دستگیر می شود (Sanders and young, 2002: 113).

به عبارت دیگر، دستگیری زمانی رخ می دهد که افسر پلیس اصطلاحاً اعلام می دارد شخص بازداشت است؛ یا زمانی که او از زور برای دستگیری فرد استفاده می کند یا زمانی که لفظاً یا عملاً نشان می دهد که اگر لازم باشد برای جلوگیری از حرکت فرد از زور استفاده خواهد کرد. اگر عبارات کاملاً واضح استفاده نشود؛ در این صورت شخص مربوطه تحت دستگیری تلقی نمی شود. البته این امر به طور خاص در مواردی اهمیت می یابد که دستگیر شده مست یا کم شنواست.

۳- مفهوم و مبانی دستگیری پلیسی

۳-۱. مفهوم دستگیری پلیسی

در بحث حاضر، منظور از دستگیری پلیس، سلب آزادی تن افراد برای رفتن به محل مطلوب بوسیله نیروهای پلیس است. نظر به اینکه بحث سلب آزادی موضوعی مبسوط و واجد جوانب مختلف است؛ لذا مجال بررسی شقوق مختلف سلب آزادی تن فراهم نیست که دربرگیرنده اقدامات مستقیم مقامات قضائی در سلب آزادی و یا اقدامات مقامات پلیسی با

تجویز مقامات قضائی باشد. به ناگزیر صرفاً محدوده‌ای که پلیس به عنوان عامل مستقل، آزادی تن شهروندان را سلب می‌کند، موضوع تحقیق حاضر قرار گرفته است.

۲-۳. مبانی دستگیری پلیسی در نظام حقوقی انگلستان

در بحث مبانی عمدتاً مبانی دستگیری مستقل پلیس موضوع کنکاش است. در واقع، در اقدامات نیروهای پلیس به عنوان ضابطین مجری دستورات قضائی با التفات به اینکه پلیس از نظر تصمیم‌گیری درباره لزوم یا عدم لزوم دستگیری نقش تقریباً منفعل داشته و مبنای عملش صرفاً احکام و دستورات صادره است؛ لذا نقطه اتکا، غالباً جرائمی است که پلیس مجاز به مداخله به عنوان مقام صاحب اختیار است. البته توضیح این مطلب ضروری است که در نظام حقوقی انگلستان دستگیری پلیس با دستور قضائی (arrest under warrant) بوسیله دادگاه صلح، تابع احکام خاص خویش است که مجال بحث و بررسی در مورد آن وجود ندارد و در این مقاله صرفاً دستگیری بدون دستور قضائی (arrest without warrant) مورد بررسی قرار می‌گیرد (Feldman, 2002: 329).

تعداد زیادی از (البته نه همه) اختیارات دستگیری بر این مبتنی است که افسر پلیس دلیلی منطقی (reasonable cause) برای اعتقاد به اینکه مظنون جرمی را مرتکب شده (has committed) یا در حال ارتکاب (Is committed) یا در صدد ارتکاب (Is about to commit) آن است داشته باشد. واژه دلیل منطقی مربوط به بیان قانون نیست؛ بلکه مرتبط با حقایق است. افسری که به نحو متعارف اما به اشتباه بر اساس دیدگاهی ویژه از قانون اقدام کند و اختیار دستگیری را اعمال کند، ظن متعارف داشته است. دلیل منطقی، معیار عینی یا نوعی دارد. معقولیت بدون ارجاع به ادراک ارزیابی می‌شود (Murphy, 2002: 959). البته با لحاظ فرعی بودن بحث امکان تدقیق در تمامی زوایای حقوق انگلستان در این تحقیق موجود نیست.

اختیارات دستگیری پلیس بدون دستور قضائی بر اساس قانون پلیس و ادله کیفری ۱۹۸۴ (Police and Criminal Evidence Act 1984 (PACE 1984)) و دیگر قوانین متفرقه که اعمال آن عملاً بوسیله قانون ۱۹۸۴ استمرار یافته است؛ اختیار کامن لا در خصوص نقض صلح (breach of peace) اختیارات موضوع قانون نظم عمومی ۱۹۸۶/۱۹۸۶ public order Act و دیگر اختیارات مندرج در قانونگذاری‌های بعد از ۱۹۸۴ (ibid: 965) مثل قانون تروریسم ۲۰۰۰ است. این اختیارات عمدتاً در مواد ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷ قانون پلیس و ادله کیفری (PACE) مشاهده می‌شود.

۳-۳. مبانی دستگیری پلیس در نظام حقوقی ایران

در خصوص دستگیری مستقل، مبنای عمل نیروهای پلیس در نظام حقوقی ایران ماده ۲۴ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ است که اختیار دستگیری و تحت نظر قرار دادن افراد را در جرائم مشهود موضوع ماده ۲۱ همان قانون به نیروهای پلیس اعطا کرده است که ضابط نامبرده شده اند.^۱ همانگونه که ملاحظه می شود قانونگذار ایرانی، از نظر زمانی تحقق واقعه جرم در گذشته را با شرایطی به عنوان جرم مشهود تلقی و نیروهای پلیس را مجاز به مداخله و دستگیری می داند. در این نگاه ممکن است با توجه به تصریح مقنن به عباراتی چون (واقع شده) در بند ۱، (پس از وقوع جرم) در بند ۲ و ۳ و ۴ و ۵ چنین استدلال شود که این قانون مرحله شروع به جرم را تحت لوای خویش قرار نمی دهد. به عبارت دیگر، مأمورین فقط پس از اتمام جرم، حق مداخله دارند. البته با اتخاذ تفسیری منطقی مبنی بر اینکه شروع به جرائمی که از نظر قانون جرم محسوب می شوند، خود به نوعی جرم بوده و مأمورین مجاز به مداخله هستند؛ این ایراد مرتفع می شود؛ اما با این توجیه ایراد دیگر ظاهر می شود و آن که با لحاظ این مسئله که شروع به جرم اصولاً جرم نبوده^۲ مگر در مواردی که مقنن تصریح دارد؛ ضابط در وضعیتی دشوار قرار گرفته و امکان مداخله و دستگیری شخصی که شروع به ارتکاب جرمی کرده، وابسته به اطلاعات حقوقی اوست. در چنین مواردی ضابط باید یا اطلاع حقوقی واثق از جرم بودن شروع به جرمی خاص داشته باشد تا اقدام مقتضی را به عمل آورده و یا تا ارتکاب کامل جرم بوسیله مرتکب منتظر مانده و سپس اقدام به دستگیری وی کند که پر واضح است این موضوع مغایر با اهداف ذاتی نیروی پلیس است. لذا مقتضی است مقنن در این خصوص تدبیری هوشمندانه اتخاذ تا نیروی پلیس نسبت به اختیارات و جایگاه خود واقف و بدینسان هر دو سوی شمشیر عدالت کیفری که اجرای قانون و رعایت حقوق افراد است، تیز و برنده حفظ شود.

دیدگاه مقنن از این حیث که برخلاف نظام حقوقی انگلستان مأمورین را محصور کرده و مواردی را بر شمرده است که آنان مجاز به مداخله هستند، قابل تقدیر است؛ لیکن به روشنی بر می آید مصادیق جرم مشهود اختلاطی نامشخص و مبهم از تلاش قانونگذار برای اجرای عدالت است. توضیح اینکه با ملاحظه ماده ۲۱ ق آدک سوالاتی به شرح ذیل مطرح می شود که شایسته است مقنن ساعی در رفع ایراد ناشی از پاسخ به این سوالات باشد:

۱- آیا جرم موضوع نظر مقنن در ماده ۲۱ همه جرائم است؟ به عبارت دیگر، آیا بلافاصله پس از وقوع جرمی کم اهمیت مثل توهین؛ بدون اینکه مأمور، حاضر و ناظر مآوقع باشد؛ با

۱. جهت نظر مخالف رک به مرادی، حسن، شرکت و معاونت در جرم چ ۱، تهران: میزان ۱۳۷۳: ۳۳.

معرفی شخصی خاص بوسیله بزه‌دیده به عنوان مرتکب جرم به شرح بند ۲؛ ضابط مجاز به دستگیری مظنون است؟

۲- آیا حضور بلافاصله مأمورین در محل وقوع جرم به شرح بند ۱ آنان را بدون هیچ دلیل دیگر مجاز به دستگیری شخص خاص می‌کند؟

۳- آیا قصد متهم برای فرار بلافاصله پس از وقوع جرم باید منضم به دلایل دیگر دال بر مجرمیتش بوده یا صرف قصد فرار یا اقدام به آن کافی برای مشهود تلقی کردن جرم و اعطاء اختیار دستگیری به پلیس است؟

۴- آیا ولگرد بودن متهم، بدین معنی است که وی مطابق ماده ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی واقعاً ولگرد باشد و یا صرف نظر ضابطين حتى با برائت متعاقب متهم از اتهام ولگردی، کافی برای تجویز اختیار دستگیری است؟ اساساً منظور مقنن، متهم هر جرمی است که در زمان دستگیری ولگرد باشد؟ آیا اختیار دستگیری در بند ۶ مختص و در راستای مبارزه با ولگردی اعطاء شده است؟

۵- اگر شخصی با گذشت مدت قابل توجه از ارتکاب جرم (مثل قتل) در نزد ضابطين حاضر و اقرار بدن کند آیا ضابطين مجاز به دستگیری وی هستند؟

۴- ضوابط لازم الرعایه در زمان دستگیری

۱-۴ ضوابط نظام حقوقی انگلستان در زمان دستگیری

معمولاً به متهم گفته می‌شود که تحت دستگیری است و به سوی ماشین پلیس هدایت می‌شود. در زمان دستگیری پلیس نمی‌تواند از دستگیر شده جز در اداره پلیس بازجویی یا تحقیق کند. پلیس حق ندارد هیچ حرفی بزند یا عملی با هدف قانع کردن فرد به بهانه خلاصی از بازداشت برای محروم کردن فرد از مشاوره حقوقی انجام دهد. دستگیر شده همچنین باید از حق خودش برای مشاوره حقوقی مستقل (independent) و مجانی (free of charge) مطلع شود (Franks, 2009: 5).

در نظام حقوقی انگلستان رفتار نابجای نیروهای پلیس در زمان دستگیری صرف نظر از امکان تعقیب کیفری و انتظامی آنان، می‌تواند تاثیرات قابل توجه بفرآیند دادرسی بگذارد. به عنوان مثال، در یک پرونده پس از اینکه دادگاه نواری را شنید که افسر پلیس در آن به هنگام دستگیری نوجوانی ۱۶ ساله به او گفت: اگر یک کلمه اضافی بگوئی صورت عربی گونه تو را خرد می‌کنم این چیزی است که تو نمی‌توانی در دادگاه هم آن را عنوان کنی چون من آن را به درستی می‌نویسم؛ او را از انجام وظیفه معلق کرد. دادگاه اتهام اخلال در نظم عمومی علیه

نوجوان را منتفی دانست. قاضی گفت: من نمی‌توانم هیچ یک از مطالبی را باور کنم که این افسران به من گزارش می‌دهند (The guardian, 20 may 2005).

از دیگر ضوابط ضروری در زمان دستگیری اخطار قانونی/caution است. عبارت دقیق اخطار قانونی به وسیله قانون بیان شده است: شما مجبور نیستید چیزی بگویید اما اگر در زمان بازجویی چیزی را که بعدها در دادگاه به آن استناد می‌کنید، ذکر نکنید ممکن است به دفاعیات شما لطمه وارد کند هر چیزی که بگویید می‌تواند دلیل باشد (Code of c, 10.9).^۱

موضوع ابلاغ دلایل نیز از مسائلی است که مأموران پلیس، موظف به ملحوظ نظر قراردادن آن هستند. هر شخص که دیگری را دستگیر می‌کند، باید او را از دلیل دستگیری یا در همان زمان یا در سریع‌ترین زمان ممکن مطلع کند. در خصوص نیروهای پلیس نیز این قاعده اعمال می‌شود؛ حتی اگر دلیل بازداشت مسلم باشد؛ اگر این اطلاعات ارائه نشود، دستگیری قانونی نخواهد بود. وظیفه ارائه اطلاعات در زمان دستگیری (At time of arrest) وظیفه‌ای نیست که بتوان دقیقاً در همان لحظه دستگیری اجرا کرد؛ بلکه ممکن است در طول دوره زمانی معقول قبل یا بعد از آن لحظه انجام شود یا نیاز به ارائه اطلاعات توسط افسر بازداشت (Custody officer) باشد. این اطلاعات ممکن است بوسیله یک همکار ارائه شود (Murphy, NV: 2000). (ibid 969).

۲-۴. ضوابط نظام قانونی ایران در زمان دستگیری

نظام حقوقی ایران واجد مقررات مفصل در باب ضوابط قانونی حاکم در زمان دستگیری پلیس نیست؛ لیکن از مجموع قواعد و مقررات حاکم، می‌توان ضرورت اطلاع رسانی در خصوص دلایل دستگیری و ابلاغ کتبی دلایل را استنباط کرد. به موجب بند ۲ ماده ۹ میثاق حقوقی مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ هر فردی که توقیف می‌شود، باید در زمان توقیف از دلایل توقیفش آگاه شود و سریعاً از اتهامات علیه خود مطلع شود. همچنین به موجب ماده ۲۴ ق آدک (... چنانچه در جرائم مشهود بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ شود...). متأسفانه مقنن ضمانت اجرایی در این خصوص مقرر نکرده است و رویه قضائی نیز هیچگاه رعایت تکلیف فوق را برای ضابطین ضروری تلقی نکرده است به نحوی که عملاً در کمتر دادرسی، ضابطان مقررات فوق را مرعی می‌کنند. البته صرف نظر از نیاز به تصریح مقنن در راستای تضمین اجرای تکلیف فوق در شرایط فعلی، می‌توان چنین استدلال کرد که به موجب اصل ۳۲ قانون اساسی

۱. مجموعه رویه‌های (code of c) مجموعه‌ای از رویه قضایی است که حقوق مظنونین و اختیارات پلیس در اداره پلیس را مشخص می‌کند.

(.... در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت، پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال ...) شود. از طرف دیگر، مقنن ضمانت اجرای صحیح این حق متهم برای آگاهی کتبی از دلایل اتهام را به موجب ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (اصلاحی ۱۳۸۱/۱۰/۱۱) پیش بینی کرده است. این مقررۀ اعلام می‌دارد: «هر یک از مقامات و مامورین وابسته به نهادها و دستگاه های حکومتی که بر خلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید؛ علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت از یک تا ۵ سال از مشاغل دولتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد». البته با فرض پذیرش استدلال فوق نیز عدم رعایت مقررات فوق کماکان تاثیری در صحت و ارزش تحقیقات معموله نخواهد داشت.

۵- ضوابط قانونی لازم الرعایه پس از تحقق دستگیری

۱-۵. ضوابط نظام حقوقی انگلستان

۱-۱-۵. تضمین نگهداری صحیح

شخصی که دیگری را دستگیر می‌کند متعهد به تضمین نگهداری صحیح از فرد دستگیر شده است. وقتی شخصی در هر مکانی غیر از اداره پلیس دستگیر می‌شود یا پس از دستگیری بوسیله شهروند تحت تسلط ضابطین قرار می‌گیرد؛ مأمور پلیس موظف است او را در سریع ترین زمان ممکن به اداره پلیس ببرد (بندهای او ۲ ماده ۳۰ قانون پلیس و ادله کیفری ۱۹۸۴ (PACE)). نخستین گام در بدو ورود به اداره پلیس بوسیله افسر بازداشت برداشته می‌شود؛ افسر بازداشت حداقل واجد درجه گروهبانی است که ناظری بی طرف در تحقیقات پلیسی محسوب می‌شود و مستقل از هر تحقیقی است که شخصی مظنون در آن وجود دارد. بنابراین، زمانی که به عنوان افسر بازداشت عمل می‌کند به هیچ وجه نباید در فرآیند تأمین ادله علیه مظنونین یا از مظنونین مداخله‌ای داشته باشد (sanders, ibid: 170). این وظیفه به عهده افسر بازداشت است که تضمین کند افسران پلیس با مظنون خود، صحیح برخورد کرده و هیچ گونه تهدید یا تحریک ناروا صورت نگیرد. جزئیات هرگونه ملاقات با مظنونین در سلولشان باید در دفتر افسر بازداشت ثبت شود. همچنین اوست که باید تصمیم فوری بگیرد مبنی بر اینکه آیا افسر دستگیر کننده اطلاعات کافی برای متهم کردن فرد داشته است یا نه؟ اگر افسر بازداشت احراز کند که چنین ادله‌ای نزد او موجود نیست؛ شخص دستگیر شده باید فوراً آزاد شود (PACE 37 (1) (b)).

۵-۱-۲. حق اطلاع از حق مشاوره حقوقی در خصوص قانون، حق وکیل و دسترسی به محتویات پرونده

افسر بازداشت همچنین مسئول ایجاد سابقه بازداشت/Custody record است (PACE 37) که هم شخص دستگیر شده و هم مشاور حقوقی باید آن را مشاهده و از آن کپی داشته باشند تا مشخص شود آیا حقوق شخص دستگیر شده مرعی شده یا نه و مبنای توقیف به صورت دوره‌ای بر اساس قواعد مطلق حاکم بر بازبینی مبنای توقیف، مورد بازبینی قرار گیرد (2.9)) (code of practice, supra note, code 2) (2.1) (2.3).

مظنون باید یک بار دیگر از حق مشاوره حقوقی رایگان مطلع شود اعم از اینکه دستگیر شده یا داوطلبانه در اداره پلیس حاضر شده است. افسر بازداشت به طور ویژه باید به صورت واضح حقوق زیر را به او بگوید و همچنین این حقیقت را که آنها حقوقی مستمر (Continuing rights) هستند که می‌توانند در هر مرحله‌ای در طول بازداشت اعمال شوند مطلع کردن دیگری از دستگیری اش [و] مشاوره حقوقی با مشاور حقوقی و مشاوره در خصوص مجموعه آیین نامه‌های اجرایی (code of practice) حاکم بر توقیف (6-1) (a) c. 6.

به علاوه یک پوستر که حق مشاوره حقوقی را اعلام می‌کند باید به صورت آشکار در اداره پلیس نمایش داده شود (3.1) (a) c. 3. هر زمان که توقیفی در تحقیقات حادث می‌شود، باید اخطار قانونی/caution دوباره انجام شود (10.1, 10.5) (Code c).

همه افراد تحت توقیف پلیس باید مطلع باشند که می‌توانند در هر زمانی با مشاور حقوقی به صورت خصوصی مشاوره و گفتگو کنند؛ اعم از اینکه حضوری، کتبی یا تلفنی باشد و اینکه مشاوره حقوقی مستقل و مجانی از طرف وکیل موظف در دسترس است (6.1) (a) c. 6.

۵-۱-۳. ورود وکیل موظف/duty solicitor

این جا وقتی است که متهم وکیل موظف را ملاقات می‌کند. او مشاور حقوقی با شغل خصوصی است که با کمیسیون خدمات حقوقی (legal services commission) قرار داد بسته است تا در اداره پلیس حاضر باشد یا آماده فراخوانی (present or on call) باشد. در ادارات پلیس بزرگ تر مثل اداره پلیس لندن ممکن است در همه وقت یک یا چند وکیل موظف حاضر باشند. در ادارات کوچک تر یا مناطق روستایی یا حومه شهری وکیل موظف آماده فراخوانی خواهد بود. پلیس تا زمانی که شخص دستگیر شده را از حق مشاوره مجانی با وکیل موظف آگاه نکرده است، نمی‌تواند بازجویی کند. اگر شخص دستگیر شده مایل نبود که با وکیل موظف مشاوره کند، افسر بازداشت باید به وکیل موظف اخطار کند که بنابراین، او به دستگیر شده فرمی را ارائه می‌کند با این مضمون که «افسر بازداشت به من گفته است که شما

تصمیمی گرفته‌اید. شما تصمیم گرفته‌اید که در آن لحظه به مشاوره حقوقی نیازی ندارید». لازم است من چیزهایی به شما بگویم:

۱- قانون می‌گوید شما می‌توانید مشاوره حقوقی مجانی از وکیل در هر زمانی دریافت کنید؛

۲- من در اداره پلیس هستم. من می‌توانم هم اکنون به شما مشاوره حقوقی بدهم؛

۳- من می‌توانم در مورد قانون شما را راهنمایی کنم. اگر شما بخواهید من می‌توانم برای شما کار کنم؛

۴- اگر شما از من مشاوره بخواهید، پلیس باید تحقیق از شما را متوقف کند.

اگر شما از من مشاوره می‌خواهید... پس زیر این نامه را امضا کنید و به هیچ سوالی از پلیس جواب ندهید و این نامه را به افسر بازداشت مرجوع کنید. من همچنین باید به شما توصیه کنم حتی اگر از من مشاوره حقوقی نخواهید... مجبور نیستید اگر نخواهید به سوالات پلیس جواب بدهید. قوانین این حق شما را سکوت می‌نامند. همه چیزی که شما باید بگویید این است که شما حق سکوتتان (silence) را اعمال می‌کنید. فرم نامه به شخص دستگیر شده دو ستون برای امضا پیشنهاد می‌کند:

۱- من می‌خواهم شما را در سریع‌ترین زمان ممکن ببینم؛

۲- من نمی‌خواهم شما را ببینم (franks, ibid:6-7).

نخستین مرحله در اداره پلیس بعد از ملاقات با افسر بازداشت، ملاقات با وکیل موظف است. وکیل موظف نوعاً به دستگیر شده می‌گوید:

۱- وظیفه من دفاع از شماست؛ ۲- من کاملاً مستقل هستم و هیچ رابطه‌ای با پلیس ندارم؛

۳- در این مرحله صرف نظر از توانایی شما، خدمات من مجانی است؛ ۴- اگر شما وکیلی

دیگر بخواهید من تلاش خودم را برای آوردن او به اینجا خواهم کرد؛ ۵- من می‌توانم در تمامی تحقیقات پلیس، شما را همراهی کنم؛ ۶- و می‌توانم کمک کنم و شما را با قید التزام به حضور (یا ضمانت اگر لازم باشد) بیرون ببرم (Shepherd, 1997:212).

سپس وکیل موظف اولاً، با افسر دستگیر کننده مصاحبه می‌کند تا حقایق واجد اهمیت را از دیدگاه پلیس دریابد؛ ثانیاً، با موکل مصاحبه می‌کند تا موقعیت موکل را دریابد و ثالثاً، موکل را از حقتش برای ساکت ماندن در همه بازجویی‌های پلیس آگاه می‌کند.

۴-۱-۵. اخذ و ابطال عکس و آزمایش

پلیس تا زمانی که اتهامات، طبقه بندی نشده‌اند، نمی‌تواند بدون رضایت مکتوب شخص دستگیر شده، از او اثر انگشت بگیرد. یک استثنا وجود دارد و آن زمانی است که دلیل اثر

انگشت از دلایل پرونده است. در این موقعیت، پلیس می‌تواند اثر انگشت دستگیر شده را بگیرد. با وجود این، تعیین این مطلب صرفاً بوسیله رئیس (superintendent) صورت می‌گیرد. اگر اثر انگشت او مطابقت نکرد باید معدوم شود. اگر شخص تبرئه یا پرونده مختومه شود جز در صورت وجود محکومیت سابق جزائی تمامی پرینت‌ها باید معدوم شوند. به همین شکل پلیس نمی‌تواند تا زمانی که اتهامات، موضوع تشکیل پرونده قرار نگرفته اند بدون رضایت کتبی دستگیر شده از او عکس بگیرد. در حالیکه ممکن است برای اخذ اثر انگشت به زور متوسل شد، برای گرفتن عکس نمی‌توان متوسل به زور شد (Code d 3 (a) (3.2) (c) code of) (practice for the identification persons by police officers).

اگر شخص تبرئه یا پرونده مختومه شد جز در صورت وجود سابقه محکومیت جزائی باید عکس‌ها معدوم شوند. همه نمونه‌هایی که از شخص دستگیر شده گرفته می‌شود از قبیل خون، ادرار، مو یا هر ماده مشکوک به مواد مخدر باید در دو نمونه مساوی ریخته شود؛ یکی برای آزمایشگاههای خارجی پلیس و دیگری برای وکیل مدافع تا به صورت مستقل ارزیابی شود. کوتاهی در انجام این امر منجر به ابطال پرونده می‌شود (Frederice Aitchison v. Richard bellj 1998 co/859/98).

۵-۱-۵. ضوابط قبل از تشکیل پرونده برای اتهام

قبل از تشکیل پرونده رسمی برای اتهام، پلیس می‌تواند با متهم مصاحبه کند. وکیل موظف مجاز به حضور است و به محض اینکه درخواست (وکیل) شده باشد، دیگر مصاحبه‌ای نمی‌تواند حادث شود (Code E, 112(2.1)). دو نوار معمولاً به صورت مجزا کار ضبط را انجام می‌دهند تا از خرابی یکی از آنها در مقابل ضبط ناصحیح محافظت کند. سپس نوارها مهر و موم می‌شوند. وکیل مدافع باید یک کپی از نوار داشته باشد. وقتی از نوار فک مهر می‌شود و برای نخستین بار استماع می‌شوند به تجویز سرویس تعقیب پادشاهی باید وکیل مدافع مطلع شود و فرصت کافی برای حضور به وی داده شود (Code E, q 6 (6.2)).

متهم حق دارد ساکت بماند. شخصی که به دلیل مستی یا استعمال مواد آماده نیست؛ به هیچ وجه مورد بازجویی قرار نمی‌گیرد. اگر مظنون نوجوان است باید به همراه مشاور حقوقی، والدین نیز حاضر باشند (Code cq 12 (a) (12.3) and code c, annexc). اتاقهای بازجویی باید به حد مکفی گرم، روشن و دارای تهویه باشند. هیچ شخصی را نمی‌توان ملزم کرد که در هنگام بازجویی بایستد ((Code c, 12(a) (12.9) (12.5)). باید مظنون مجاز باشد؛ اولاً، در هر شب ۸

۱. (درجه نیروهای پلیس در انگلستان، ضابط / Constable؛ گروهان/sergeant؛ بازرس/inspector؛ سر بازرس/ chief inspector و رئیس/superintendent است. مراجعه به: (j. Holtman, crimind litigation London. Jordan pu 2002

ساعت بخوابد؛ ثانیاً، در زمانهای عادی غذا بخورد؛ ثالثاً، هر ۲ ساعت تنفس داشته باشد (Code (12.7) (a), 12 (c).

۵-۱-۶. مدت زمان نگهداری

بیشترین مدت ممکن برای توقیف بدون اینکه ایراد اتهام صورت پذیرد ۲۴ ساعت است (PACE 91 (1)). این مدت از زمان ورود به اداره پلیس محاسبه می‌شود. اگر شخص داوطلبانه به اداره پلیس بیاید این مدت از زمان دستگیری محاسبه می‌شود (PACE 91 (2) (a) (1)). ۳۶ ساعت دیگر می‌تواند بوسیله رئیس پلیس تجویز شود. این محدودیت های زمانی به صورت مطلق و بی قید و شرط اعمال می‌شوند (PACE S 92 (1)). در زمان توقیف، افسر توقیف (detention officer) که حداقل درجه بازرس دارد هر توقیفی را به فاصله ۶ ساعت پس از شروع بازبینی می‌کند و دوباره ۹ ساعت بعد و هر ۹ ساعت پس از آن، تا تضمین کند که مبانی اولیه توقیف هنوز وجود دارد (PACE s 90 (3)(b) and (a)). البته در خصوص جرم تروریسم قانون پیشگیری از تروریسم ۲۰۰۵ اختیار پلیس برای دستگیری را تا ۴۸ ساعت مقرر می‌کند که تا ۵ روز قابل تمدید است (David Herschel and etc, 2008: 300). به محض اینکه برای اتهامات تشکیل پرونده صورت پذیرفت؛ پلیس می‌تواند از متهم اثر انگشت و عکس بگیرد. وکیل مدافع نیز می‌تواند برای گرفتن عکس از متهم دوربین بیاورد یا برای نشان دادن شرایطش یا برای مجادله در احراز هویت (shepherd, ibid:720) و موظف است در پرونده باقی می‌ماند تا ترتیبی برای وثیقه یا التزام فراهم کند.

۵-۱-۷. حق جبران خسارت

اگر متهم تبرئه شود معمولاً انگلستان دستمزدهای قانونی را می‌پردازد. اگر به غلط محکوم شده باشد؛ دولت برای زمانی که او توقیف بوده است، غرامت می‌پردازد. قانون عدالت کیفری (criminal justice Act 1988) ماده ۱۳۳ مقرر می‌دارد: وقتی شخصی محکوم به جرمی جزائی شده و متعاقباً محکومیتش نقض شود؛ بر این مبنا که حقیقتی تازه کشف شده بدون تردید حاکی از اعمال ناصحیح عدالت (miscarriage of justice) است. دادستان کشور باید به شخصی که به خاطر محکومیت، مجازاتی را تحمل کرده غرامت بپردازد یا اگر مرده است به خویشاوندانش بپردازد؛ مگر اینکه عدم افشای حقیقت ناشناخته کلاً یا جزئاً قابل انتساب به شخص محکوم باشد.

در پرونده Lunt v . Liverpool city justices در ۵ مارس ۱۹۹۱ به خاطر ۴۲ روز توقیف به دلیل عدم پرداخت مالیات محلی ۲۵ هزار پوند غرامت پرداخت شد. در پرونده Regina علیه

رئیس زندان Brockhill در ۱۹۹۹؛ ۵ هزار پوند غرامت به خاطر تحمل ۵۹ روز مجازات پرداخت شد (franks, 2009:11-18).

۵-۲. ضوابط نظام حقوقی ایران پس از دستگیری

می‌توان گفت تنها مقررات صریح و مختص دستگیری‌های پلیسی در کشور ما یکی در خصوص ابلاغ کتبی دلایل و تفهیم اتهام موضوع اصل ۳۲ قانون اساسی است که پیشتر مورد بررسی قرار گرفت؛ و دیگری بند ۵ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی است که مقرر می‌دارد: «... اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در مواردی ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر، پرونده به مراجع صالح قضائی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند.» بدیهی است تصدیق بر حق اطلاع خانواده دستگیرشدگان از دستگیری مظنون یا متهم قابل تقدیر است؛ لیکن به شدت ناکافی است. ضرورت پذیرش و ضابطه‌مند کردن ارتباط، اطلاع، ملاقات و مکاتبات متهم با خانواده، دوستان و وکلای خویش از بدیهیات انکار ناپذیر یک دادرسی عادلانه است. البته محدودیت زمان نگهداری مظنونین به ۲۴ ساعت در دستگیری‌های مستقل پلیسی احتمال و میزان سوء استفاده را کاهش می‌دهد. لیکن در نظام حقوقی ایران تضمینات ناظر به حق دفاع متهم به ویژه در این مرحله ۲۴ ساعته که تحت نظر نام دارد، بسیار ضعیف است (اردبیلی، ۱۳۸۳: ۲۱۲). به جرأت می‌توان ادعا کرد که مقنن هیچ توجه خاص به رعایت حقوق دفاعی افراد در این مرحله نداشته است؛ اگرچه ممکن است چنین تفسیر شود که با تنقیح مناط از ماده ۱۲۸ قانون آئین دادرسی کیفری می‌توان حق متهم بر حضور وکیل را در این تحقیقات تجویز کرد. لیکن پذیرش چنین تفسیر موسّع بویژه با شرایطی که رویه قضائی نیز آن را حمایت نمی‌کند با مشکل روبروست.

در پایان پیشنهاد می‌شود قانونگذار در دو موضوع اقدام به اصلاح مقررات کند: نخست، قلمرو اقدام به دستگیری است که مبانی آن به ویژه ظن متعارف (reasonable suspicion) به مجرمیت جایگزین جرم مشهود شده و هرسه وضعیت جرم تام، قریب الوقوع یا درحال ارتکاب به صراحت موضوع اختیارات پلیس برای سلب آزادی قرار گیرد. دوم، ضوابط مشخص پس از سلب آزادی را تبیین کند از قبیل: چگونگی ارتباط متهم با خارج یا ارتباط سایرین با متهم، چگونگی ملاقات‌ها با وکیل و مدت و شرایط آن، اعلام صریح حقوق فرد مثل حق سکوت و دسترسی به وکیل و نهایتاً بازبینی و نظارت بر سلب آزادی و مستندسازی آن.

نتیجه گیری و پیشنهاد

دستگیری و نگهداری شهروندان بوسیله نیروهای پلیسی قبل از دادرسی و اثبات مجرمیت، مرحله‌ای از تحقیقات اولیه در دادرسی جزائی است که بیش از هر زمان دیگر، فرد خود را آسیب پذیر می‌یابد و قانون‌گریزی پلیس می‌تواند موجب صدمات احتمالی به فرد و روند دادرسی کیفری باشد. در کشور ما اصل ۳۲ قانون اساسی و ماده ۲۴ قانون آئین دادرسی کیفری تفهیم اتهام و ابلاغ کتبی دلایل را و ماده ۵ قانون حقوق شهروندی، اطلاع به خانواده دستگیر شدگان را از جمله مقررات لازم‌الرعایه در دستگیری‌های پلیسی و مرحله تحت نظر می‌داند. صرف‌نظر از اینکه موارد مصرح در ماده ۲۱ قانون آئین دادرسی کیفری به عنوان مصادیق جرم مشهود، واجد ایرادات اساسی و قابل‌اعتناست. ذکر این نکته خالی از فایده نیست که در کشور انگلستان مأموری که ناظر بر صحت دستگیری و کفایت ادله است؛ هیچ دخالتی در تحقیق و تأمین دلیل علیه مظنون نمی‌کند. امکان و ضرورت بازبینی دوره‌ای (هر چند ساعت) دستگیری و دلایل آن بوسیله مقام بالاتر، ضرورت اعلام حق سکوت، امکان و ضرورت مداخله وکیل، ضرورت ثبت و ضبط همه ملاقات‌ها و ورود و خروج‌ها به سلول زندانی، ضرورت تغذیه و خواب در ساعات مشخص، حق مشاوره و تماس خصوصی با وکیل و نیز حق مشاوره در خصوص قوانین، امکان دسترسی متهم یا وکیل به پرونده، تعهد پلیس به حفظ سلامت دستگیر شده و..... همگی موضوعاتی است که نتیجه تطبیق مقررات دو کشور ایران و انگلستان، آنها را به عنوان کاستی‌های مقررات داخلی معرفی می‌کند. در حقیقت، پلیس به عنوان فعال بخشی از فرآیند دادرسی باید بداند که در صورت تجاوز از حدود مشخص، صرف نظر از امکان پیگرد کیفری و انتظامی، تحقیقات به عمل آمده ابطال خواهد شد. ضابطه مند نبودن مقررات در دستگیری‌های مستقل پلیس در کشور ما را می‌توان مهم‌ترین خصیصه مرحله تحت نظر بر شمرده که مقنن بایستی در صدد اصلاح آن باشد.

منابع و مأخذ

الف- فارسی

۱. آخوندی، محمود. (۱۳۸۷)، آئین دادرسی کیفری- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
۲. آشوری، محمد. (۱۳۷۵)، آئین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران: سمت.
۳. آقائی نیا، حسین. (۱۳۸۶)، حقوق کیفری اختصاصی جرائم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، تهران: میزان.
۴. اردبیلی، محمد. (۱۳۸۳)، نگهداری تحت نظر، علوم جنائی، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، تهران: مرکز تحقیق و توسعه سمت.
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۶)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق جلد اول و سوم، تهران: گنج دانش.
۶. خالقی، علی. (۱۳۸۷)، آئین دادرسی کیفری، تهران: شهر دانش.
۷. سید اصفهانی، سید حسام‌الدین. (۱۳۸۸)، تازهای علوم جنائی، تهران: میزان.

۸. صلاحی، محمد. (۱۳۸۶)، حقوق اشخاص در بازداشت پیش از محاکمه در حقوق بین‌الملل بشر و حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
۹. گلدوست جویباری، رجب. (۱۳۸۸)، کلیات آئین دادرسی کیفری، تهران: جنگل.
۱۰. مرادی، حسن. (۱۳۷۳)، شرکت و معاونت در جرم، چاپ اول، تهران: میزان.
۱۱. مدنی، جلال‌الدین. (۱۳۷۰)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی ج ۱، تهران: همران.
۱۲. ناصرزاده، هوشنگ. (۱۳۷۲)، حبس و توقیف غیر قانونی، مجله حقوقی قضائی دادگستری شماره ۶.

ب- خارجی

- 1-Franks, M. R. 2007, **Your rights if arrested in England** www.franks.org/pptr in England.
- 2-Feldman David. 2009, **Civil liberties and human rights in England and Wales**, oxford university press.
- 3-Garner's.brayan, A., 2009, **Black's law dictionary eighth edition**, Thomson west.
- 4-Holtman, J., 2002, **Criminal litigation**, London: 2002.
- 5-Herschel, David, Wakefield William, sasse Scott. 2008. **Criminal justice in England and United States**, Jones and Berlet publishers.
- 6-Murphy, Peter. 2002, **Blackstone's criminal practice**, oxford university press.
- 7-Sanders, Andrew & Richard young. 2000, **Criminal justice third Edition**, Oxford University press.
- 8-Shepherd, Evic. 1998, **police station skills for legal advisers**, London,oxford university press.